

گفت‌وگو با آریا اقبال و حمیدرضا کرمی

تصویر مدارا در هنر



آریا اقبال

آرژو مهرانگیز؛ اخیرا آرت دویی در بخش مدرن و معاصر خود میزبان ۹ گالری از تهران بود. درحالی‌که در این آرت‌فر ۹۴ گالری از سراسر جهان آثار هنرمندان خود را ارائه کردند. گالری آریا به‌عنوان یکی از گالری‌هایی که در بخش مدرن آثار دو هنرمند ارمنی- ایرانی «گارنیک در هاگوپیان» (- Garnik Der Haco) و «سونیا بالاسانیان» را ارائه کرده بود. توانست حضوری موفق را در این آرت‌فر تجربه کند. در ادامه پای صحبت‌های آریا اقبال، مدیر گالری آریا و حمیدرضا کرمی، مسئول بخش بین‌الملل و برون‌مرزی گالری، نشستیم.

آریا اقبال؛ سال گذشته یک روز به افتتاح نمایشگاه آقای در هاگوپیان مانده

بود که یکی از دوستان با من تماس گرفت و گفت خانم میرنا عیاد، مدیر آرت‌فر دویی، به ایران آمده و پرس‌وجو کرده و دیگران به ایشان گفته‌اند که گالری آریا دارد روی مدرنیست‌های ایرانی کار می‌کند، ایشان خیلی علاقه‌مند است که بیاید شما را ببینید. خلاصه، هماهنگی‌های لازم صورت گرفت و خانم عیاد به دیدن من آمد و پیش‌نهاد حضور ما را در آرت‌فر مطرح کرد. آن زمان تقریباً دیگر سایت آرت‌فر بسته شده بود و چیزی به انتخاب گالری‌های پذیرفته‌شده نمانده بود. باین‌حال، من با پیشنهاد خانم عیاد مخالفت کردم و دلایلم را هم ذکر کردم. ایشان اصرار کردند و گفتند بیشتر فکر کنید. چند بار هم ایمیل زدند که خوشبختانه آن موقع آقای کرمی دویی بودند و با خواشمن رفتند و با آرت‌فر صحبت کردند تا اینکه مقدمات حضور ما در آرت‌فر دویی فراهم شد.

آریا اقبال؛ سال‌ها قبل برپایی نمایشگاه‌های مختلف در دویی به شکل مداوم و بی‌دربی را گالری آریا آغاز کرده بود. این بحث مربوط به ۱۹، ۱۸ یا حتی شاید ۲۰ سال پیش است. ما در آن سال‌ها نمایشگاه‌های بسیار موفقی را با فروش‌های خیلی خوب در دویی برگزار کردیم، درحالی‌که دویی اصلاً این‌طور نبود که پر از گالری باشد و گالری‌های مختلف ایرانی در آن رفت‌وآمد داشته باشند. بعد از آن فضای گالری‌داری در ایران تغییر کرد و تعداد گالری‌ها زیاد شد و تعداد زیادی از گالری‌ها به هر دلیلی به گالری دویی‌ی روی آوردند. من ذاتاً در کاری که انجام می‌دهم، آدم جنگجویی هستم ولی اصولاً اهل رقابت نیستم و همان زمان هم تصمیم گرفتم که دیگر با دویی کار نکنم و بهتر است بروم سر کار خودم، شلوغ‌بازی و ماجراجاری رقابتی در دویی را می‌دیدم و می‌توانستم حدس بزنم که سرنوشتش به کجا می‌کشد. بنابراین تصمیم گرفتم که دیگر با دویی کار نکنم اما همچنان می‌رقتم و نمایشگاه‌ها را می‌دیدم. اصلاً از چیزی هم ناراحت نبودم و فقط به خانم عیاد گفتم که سیاست گالری آریا و همین‌طور اخلاق خود من و دوستانم، چندان با بحث شلوغ‌بازی و رقابت جور در نمی‌آید.

آآ پس چه شد که درنهایت تصمیم گرفتید در آرت‌فر دویی شرکت کنید؟

اقبال؛ دلایلش حضور قوی آقای کرمی بود. من سال‌هاست که با آقای کرمی دوستی دارم و در زمینه‌های مختلف با ایشان همکاری کرده‌ام. در این مقطع هم آقای کرمی با حضور در آرت‌فر دویی موافقت کردند و از طرفی صحبت‌های خانم عیاد هم روی من تأثیر گذاشت و باعث شد که پیشنهادشان را بپذیرم. اضافه‌شدن بخش مدرن به آرت‌فر هم برای من خیلی مهم بود چون قبل از آن فقط بخش معاصر وجود داشت. خانم عیاد به من گفتند که می‌خواهیم امسال تمرکزمان را به صورت جدی روی بخش مدرن بگذاریم و برایمان مهم است که گالری‌هایی در آرت‌فر شرکت کنند که در بخش مدرن حرفه‌ای هستند. خانم عیاد به من گفت که شما کار پژوهشی کرده‌اید و می‌دانید که این مسیر را باید بطور بروید. همه اینها باعث شد که من حضور در آرت‌فر دویی را بپذیرم.

آآ آقای کرمی، به‌عنوان مسئول بخش بین‌الملل و برون‌مرزی گالری آریا بگویید که چه پرسه‌های طول می‌کشد تا یک گالری بتواند در «آرت دویی» شرکت کند؟

حمیدرضا کرمی؛ عموماً شروع شرکت گالری‌ها در همه آرت‌فرهای دنیا و ازجمله آرت دویی از طریق پاسخ به یک فراخوان آنلاین روی سایت آرت‌فرهاست و آرت‌فرها عموماً معیارهایی را در انتخاب‌هایشان مدنظر قرار می‌دهند. چنانچه پروپوزال با طرح پیشنهادی گالری برای شرکت در آرت‌فر مورد قبول هیئت داوری قرار بگیرد، بقیه مراحل که البته مراحل ساده‌ای هم نیست به‌تدریج طی می‌شود تا به عقد قرارداد بین گالری و آرت‌فر منجر شود. البته شرکت در آرت‌فرها هزینه زیادی برای گالری‌ها دارد. آرت‌فرها هیچ درصدی از فروش آثار را دریافت نمی‌کنند و درآمد آنها از طریق اجاره غرفه‌ها و جذب حامیان مالی بزرگ تأمین می‌شود که البته آرت‌فر دویی از نظر جذب این حامیان مالی و اسپانسرها ازجمله قوی‌ترین آرت‌فرهاست. آرت‌فر دویی با مدیریت جیدیش روی فرایند کیوریتوریال نمایش آثار پافشاری دارد و این امر به‌ویژه درباره بخش مدرن چشمگیرتر است. هرچند شاید در بخش معاصر با سخت‌گیری کمتری همراه باشد.

هر کدام از بخش‌های مدرن و معاصر آرت‌فر دویی، هیئت داوری مخصوص به خود را دارد که معمولاً بین چهار تا پنج نفر هستند. گاهی لازم می‌شود که سه یا چهار بار پروپوزال گالری به هیئت داوری ارائه شود تا آن را بررسی و تأیید کنند. سال گذشته در بخش معاصر ۴۴ گالری شرکت کردند. درحالی‌که در بخش مدرن فقط ۱۶ گالری آثارشان را به نمایش گذاشته بودند. بخش مدرن آرت‌فر دویی از زمان مدیریت قبلی تا مدیریت فعلی آن، خانم میرنا عیاد، اختصاصاً به معرفی استادان و پیشکامان گرایش‌های مدرنیستی در هنر منطقه خاورمیانه، شمال آفریقا و جنوب آسیا (هند و پاکستان) می‌پردازد. اعضای هیئت داوری و انتخاب در مطالعه و تأیید طرح‌های پیشنهادی و هنرمندان و آثارشان خیلی با دقت و تیزبینی عمل می‌کنند و این واقعیتی است که در مورد آرت‌فر دویی وجود دارد.

آآ چطور شد برای «آرت دویی» به آقای گارنیک در هاگوپیان و خانم سونیا بالاسانیان، دو هنرمند ایرانی ارمنی‌تبار، رسیدید؟

اقبال؛ باید دو هنرمند را انتخاب می‌کردیم که آثارشان بتواند در کنار همدیگر به یک خوانش فرهنگی بینجامد، نمی‌شدد دو نگاه متفاوت را در کنار هم قرار داد. از میان این دو هنرمند، گارنیک در هاگوپیان شناخته نبود که این مسئله هم خوب بود و هم بد. خوبی آن در این بود که با حضور در آرت‌فر دویی، این هنرمند در خارج از ایران هم معرفی می‌شد. بدی عدم شناخته‌شدن گارنیک هم در این بود که بازدیدکنندگان از قبل تحقیقات خود را کرده بودند و برای خرید یک‌سری آثار مدنظرشان بود. به‌رحال گارنیک در هاگوپیان از هنرمندان مدرنیست ایران است و به‌نظم لازم بود که هم در بازخوانی و هم در آرت‌فر دویی به آثارش پرداخته شده و حتما معرفی شود.

کرمی؛ ما برای انتخاب هنرمندانمان فرایندی طولانی داشتیم و با خانم عیاد و دستیارهای ایشان تماس‌ها و ارتباط مداومی را حفظ کردیم که آنها هم نظرات ما را به هیئت داوری و انتخاب منعکس می‌کردند. در نهایت به این دو هنرمند رسیدیم که به‌نظم درست‌ترین انتخاب بود. انتخاب دو هنرمند ارمنی‌تبار باعث شد تصویر جالبی از گالری آریا ارائه شود. به‌رحال ما به‌عنوان یک کشور مسلمان به آرت دویی رقتیم که تصویر رسانه‌ای درستی از آن ارائه نشده است. در چنین حالتی، بردن دو هنرمند ایرانی ارمنی‌تبار که یکی از آنها پس از انقلاب کشور را ترک کرده بود، خیلی برای بازدیدکنندگان در آرت دویی جذابیت داشت و تصویری که از گالری آریا ترسیم می‌کرد، تصویری از مدارا و پذیرش بود.

آآ درحال حاضر در ایران فقط حدود ۱۲، ۱۰ گالری وجود دارد که برنامه، هدف‌گذاری و انسجام دارند و رویه‌شان مشخص است اما عموم گالری‌های ما این ویژگی‌ها را ندارند. با توضیحاتی که درباره آرت‌فر دویی ارائه دادید، آیا این گالری‌ها برای حضور در آرت‌فرهای بین‌المللی دچار مشکل نمی‌شوند؟

اقبال؛ گالری‌داری واقعاً کار سختی است. من ۲۶، ۲۵ سال پیش وارد این کار شدم و نمی‌دانستم که وارد چه کار سختی شده‌ام. دوستان تازه‌کاری که الان وارد این کار شده‌اند هم نمی‌دانند که چه کار سختی را انتخاب کرده‌اند. برخلاف آنچه تصور می‌شود، درآمد گالری‌داری درآمد چشمگیری نیست. هزینه‌کردن در آن سخت است. یک جاهایی هم ممکن است که گالری‌دارها اعتراض کنند که اعتراض درستی هم است چون در هر صورت باید کارها به‌درستی انجام شود و باید عمیق پیش رفت. گالری‌دارها تا یک جایی می‌توانند از جیب خودشان هزینه کنند اما از یک جایی به بعد ممکن است کم بیاورند و گالری را ببندند یا مجبور می‌شوند کارهایی کنند که فروش داشته باشد اما واقعیتش این است که آن کارها هم فروشی ندارند و در نهایت گالری با شکست مواجه می‌شود. باین‌حال، خوشبختانه یک‌سری از گالری‌ها هم هستند که خیلی حرفه‌ای عمل می‌کنند و می‌دانند که مهره‌هایشان را کجا بگذارند.

آآ در دنیا چه اتفاقی می‌افتد که سیستم گالری‌داری‌شان حرفه‌ای است؟

آریا اقبال؛ آنها حرفه‌ای‌تر از ما هستند چون سنتش را دارند. ما سنت گالری‌داری نداریم. اولین کالری در ایران در اواخر دهه ۴۰ افتتاح شده و تا سال‌ها تعداد گالری‌های تهران به اندازه انگشتان یک دست هم نبود. تا پیش از انقلاب هیچ اتفاقی برای گالری‌ها نیفتاده بود و خود وزارت فرهنگ و هنر کرابه گالری‌ها را پرداخت می‌کرد. بعد از انقلاب هم که هیچ گالری‌ای نمی‌توانست کار کند و این ماجرا تا پایان جنگ تحمیلی ادامه داشت. بنابراین در ایران سنت گالری‌داری وجود ندارد و واقعیتش این است که هر چیزی احتیاج به سنت دارد.

تجسمی

گفت‌وگو با آریا اقبال و حمیدرضا کرمی

گالری‌داری وجود ندارد و واقعیتش این است که هر چیزی احتیاج به سنت دارد.

آآ الان دو آرت‌فر مهم در منطقه خاورمیانه وجود دارد؛ آرت‌فر دویی و آرت‌فر استانبول. اکثر گالری‌های ایرانی در این دو آرت‌فر شرکت می‌کنند. فکر می‌کنید کدام‌یک موفق‌تر هستند؟

کرمی؛ کشور ترکیه در سال‌های اخیر دچار بی‌ثباتی‌ها و تلاطم‌های سیاسی شده و همین مسئله روی این آرت‌فر تأثیر منفی زیادی گذاشته و باعث شده ترکیه از دویی عقب بیفتد. آرت‌فر دویی به لحاظ گستردگی، اسپانسر و برنامه‌های جمعی با آرت‌فر استانبول قابل مقایسه نیست.

آآ به نظرتان آیا وقت آن نرسیده که گالری‌های ما افق دیدشان را یک مقدار وسیع‌تر کنند به جز حضور در آرت‌فرهای کشورهای همسایه، در آرت‌فرهای سایر مناطق آسیا هم حضور پیدا کنند؟

کرمی؛ ما الان در آغاز راه هستیم و توجه‌مان را بیشتر به این معطوف کرده‌ایم که ببینیم کدام آرت‌فرها ظرفیت بیشتری دارند. الان بازارهای هنری مختلفی در سراسر دنیا وجود دارد و شما می‌توانید در کوچک‌ترین شهرهای آمریکا و اروپا شاهد آنها باشید. اما آرت‌فر دویی در کنار آرت‌فر بازل، هنگ‌کنگ، میامی، فریز در لندن، و... جزء ۱۰ آرت‌فر معتبر و مهم دنیاست. آرت‌فر دویی امسال با جذب گالری‌هایی از بیش از ۴۴ کشور مختلف، ثابت کرد جهانی‌ترین آرت‌فر دنیاست. در آسیا آرت‌فرهای خوب دیگری هم وجود دارند اما باید بررسی کرد که کدام‌یک برای ارائه کار وزنه خوبی است و چه پتانسیل‌هایی دارد. شرکت در این بازارهای جهانی خیلی پرهزینه است. به‌ویژه آنکه شما از منطقه دورتر شوید.

آآ گالری آریا بعد از ۱۸ سال دوباره به دویی برگشت و در آرت‌فر دویی غرفه گرفت. راضی بودید؟

اقبال؛ به‌نظم تصمیم درستی بود و خوشبختانه استقبال و فروش آثارمان هم خوب بود. امسال یکی از پربازدیدترین و شلوغ‌ترین آرت‌فرهای دویی بود. در آرت‌فرها، طیف مخاطبان فرق دارد. عده‌ای مخاطبانی هستند که هنر را بسیار جدی می‌گیرند و از شما می‌خواهند که درباره آثار به آنها توضیح دهید. دسته‌ای دیگر هم از علاقه‌مندان آرت هستند و در نهایت یک دسته دیگر هم وجود دارد که آرت برایشان سرگرمی است و جذابیت دارد. به‌رحال هر کدام از این دسته‌ها هنر برایشان دغدغه است. در روزهای اول تا سوم، مهم‌ترین اتفاقات مالی رخ می‌دهد چون فضا برای خریداران مناسب است و در آنها می‌توانند در آرامش کامل، آثار را زیر نظر داشته باشند. خریداران معمولاً از قبل مطالعه کرده‌اند و می‌دانند که قرار است در آرت‌فر چه‌کار کنند چون بحث اعتمادکردن است. آنها می‌خواهند یک اثر مطمئن را بخرند و راجع به آدم ناشناخته هم باید مطمئن شوند. بنابراین اگر هنرمند ناشناخته باشد، خریداران یا از گالری‌دار یا با قیمت مشاوران خود از آن هنرمند اطلاعات کسب می‌کنند و بعد اثرش را خریداری می‌کنند.

آآ اساساً ضرورت حضور یک گالری در آرت‌فرهایی مانند آرت‌فر دویی چیست؟

اقبال؛ فکر نمی‌کنم که برای این قضیه بشود یک قانون تعیین کرد که یک گالری چرا باید شرکت کند و چرا شرکت نکند. من معتقدم یک گالری اگر ضرورتش را احساس کرد، باید در آرت‌فر شرکت کند و اگر ضرورتش را احساس نکرد، نیازی به حضورش در یک آرت‌فر نیست. ضرورت حضور یک گالری هم زمانی احساس می‌شود که گالری مطمئن باشد که برنامه‌ریزی درست و دقیقی دارد و می‌تواند در آرت‌فر حرفی برای گفتن داشته باشد. به‌نظم گالری «ا» گالری خوبی است. من خودم عملکرد این گالری را در آرت دویی ندیدم اما از دوستان شنیدم که خوب عمل کرده است. من خانم درودی را اصلاً ندیده‌ام اما به‌نظم می‌آید که می‌داند باید چه‌کار کند. امیدوارم ایشان فرصت بیشتری برای انجام چنین کارهایی داشته باشند.

آآ برای گالری‌هایی که امسال برای اولین‌بار در آرت‌فر دویی حضور پیدا کردند، این حضور چه اهمیتی دارد؟ آیا حضورشان می‌تواند برایشان اعتبار بیاورد؟

اقبال؛ اگر خوب عمل کنند، حتما برایشان اعتبار هم می‌آورد. البته اسم آرت‌فر برای یک گالری اعتبار نمی‌آورد و این عملکرد خود گالری است که اهمیت دارد. ما در گالری آریا سعی کرده‌ایم در مورد حضورمان در آرت‌فر و نمایشگاه‌های مختلف خیلی سنجیده عمل کنیم و تصمیم اشتباه نگیریم، البته تصمیمات اشتباه جزء لاینفک چنین کارهایی است اما باید به حداقل برسد.

کرمی؛ من هم معتقدم اگر گالری سطح توانایی لازم برای حضور در یک آرت‌فر را دارد، می‌تواند در آرت‌فر شرکت کند اما باید سعی کند که خودش را به سطح بقیه برساند. به‌نظم گالری‌هایی مانند گالری «زیرزمین دستان»، «ا»، «محسن» و «آب‌انبار» این سلیقه و توانایی را دارند که بتوانند در آرت‌فرها شرکت کنند. این گالری‌ها خیلی خوش‌ذوق و سلیقه هستند. ممکن است که گاه اشتباهاتی هم انجام دهند که این اشتباهات طبیعی است. اما به‌نظم حضورشان در آرت‌فرهای مختلف، هم برای خودشان و هم برای معرفی هنر ایران و جغرافیای فرهنگی منطقه مؤثر است چون آرت‌فرها معمولاً شمایي از وضعیت فرهنگی جوامع مختلف را نشان می‌دهند.

آآ آقای کرمی، با توجه به آنکه در آرت دویی ۲۰۱۷ حضور داشتید، به نظر‌تان گالری‌های ایرانی چقدر در این آرت‌فر موفق بودند و بازخورد مخاطبان پس از بازدید از غرفه گالری‌های ایرانی چطور بود؟

کرمی؛ نظر غالب آنها این بود که آثار هنرمندان ایرانی اعم از جوان و غیر آن، حاصل تلاش و نتیجه استعدادهایی است که با وجود تمام مشکلات پیش‌رو، هنری درخشان و باکیفیت را تولید و عرضه می‌کنند.



روزنه

هنرمندان آلمانی با «کی‌پیست» در اصفهان

گروه هنر؛ نمایشگاه «کی‌پی / پیست» با هدف معرفی اشکال جدیدی از هنر معاصر با حضور برخی هنرمندان آلمانی در اصفهان برپا شد. این نمایشگاه با همراهی ۱۳ هنرمند معاصر مطرح جهان که بیشتر آنها در برلین ساکن هستند شکل گرفته و شهرام انتخابی، هنرمند و کیوریتور آن است. انتخابی با استفاده از مفهوم «کی‌پی / پیست» می‌کوشد با تغییر پس‌زمینه این آثار، شکل جدید و قابل دریافتی از هنر معاصر را برای مخاطبان ایرانی به وجود بیاورد. در این نمایشگاه اسه سلیمیان و زرتشت رحیمی به‌عنوان کو کیوریتور همکاری و در ایجاد هماهنگی و فهم صحیح آثار برای مخاطبان نقش مهمی ایفا می‌کنند. این نمایشگاه دوم تیر در سه گالری «آفرینش‌های معاصر، گالری اکنون و خانه صفوی» اصفهان به‌طور هم‌زمان افتتاح شد و تا دوم مرداد ادامه دارد. هنرمندان حاضر در این رویداد عبارت‌اند از: مونیکا بن ویچینی، کن‌دیس برایتز، بریگیت برنز، مایلدتر هاینه، هئی ژانگجو، کریستیان یانکوفسکی، هلموت یوهانا کاندل کریستین لار، کارین ساندن، اگیل سربونسون، کای شتیمز، اتانولی شوروالف و وادیم زارخوف. انجمن فرهنگی التریش در ایران (OKF)، سفارت آلمان در تهران، سفارت پادشاهی هلند از حامیان نمایشگاه «کی‌پی/ پیست» هستند.

تقدیر از تبریزی واسعدیان در سومین جشن عکاسان

گروه هنر؛کمال تبریزی و همایون اسعدیان در سومین جشن عکاسان سینما تقدیر می‌شوند. به گزارش روابطعمومی انجمن عکاسان سینمای ایران، سومین دوره جشن عکاسان سینمای ایران، اوایل تیرماه به دبیری حافظ احمدی، برگزار خواهد شد و در این دوره از برگزاری جشن ماندن سال‌های قبل از شش چهره در صوف مختلف که نگاه ویژه‌ای به عکس و عکاسی فیلم دارند، تقدیر می‌شود و در این دوره در بخش کارگردانا، از کمال تبریزی و همایون اسعدیان تقدیر خواهد شد. این جشن با معرفی نامزدها، بهترین عکاس سینما، بهترین عکاس پشت‌صحنه (اعضای صنف و معرفی استعداد نو در عکاسی سینما (غیرعضو) و همچنین تقدیر از پیشکسوتان عکاسی سینما و چهره‌هایی که همواره کن‌ویژه‌ای به عکس و عکاسی فیلم دارند، برگزار می‌شود. مهدی پاکدل به‌عنوان مشاور دبیر در این دوره از جشن حضور دارد و مسابقه مردمی عکس برگزیده نیز در این دوره با همکاری اپلیکیشن پات برگزار می‌شود.

«در» ایرانی در تورنتو و آوینیون

گروه هنر؛ نمایش «در» به کارگردانی مهدی مشهور در بیست‌ونهمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فرینج تورنتو روی صحنه می‌رود. جشنواره تئاتر فرینج تورنتو یکی از معتبرترین دختان آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

اتاق روشن

به بهانه پایان یک نمایشگاه

چرا شورشی آواز سر می‌دهد

هادی آذری؛ نبوشا توکلیان عکاس خودآموخته و پرتلاشی است که از ۱۶سالگی دوربین به دست داشته است. سر ترسی هم دارد؛ هنگام حمله آمریکا به عراق، آنجا بوده و به‌تازگی نیز برای عکاسی از زان و دخترانی که با ترس نقص عضو زندگی می‌کنند، به نقطه‌ای دوردست در آفریقا سفر کرده است. همین عکس‌ها و عکس‌هایی دیگر، زمینه برپایی نمایشگاهی از او شده است. نمایشگاه را ولی محلوجی با چند ماه سرکولده‌زدن با آثار توکلیان ترتیب داده است؛ اما نتیجه به‌جای آنکه نگاهی خاص به آثار توکلیان ارائه کند، آش در هم جوشی است که هرچه بجوشد، بیشتر وا می‌رود. در نگاه نخست، نحوه چیدمان و بهره‌گیری از شیوه‌های مختلف عکس، بدون اینکه توجه مشخصی داشته باشد، ما را به یاد عکس- چیدمان‌های ولفگانگ تیلمانز می‌اندازد که او هم ازفضا آتارش را در اندازه‌های متفاوت و حتی به شکل ویتزینی به نمایش می‌گذارد؛ اما مشخص نیست چگونه عکس‌های خبری یک جوان بیست‌وچندساله می‌توانند در مقام اثر هنری قرار بگیرند و باز مشخص نیست چرا این تصاویر روزنامه‌ای، به‌جای عکس در قالب همان روزنامه‌های قدیمی بر دیوار جا خوش کرده‌اند. در اینجا دو فرضیه وجود دارد؛ فرضیه اول؛ محلوجی خواسته سیر کاری توکلیان را به تصویر بکشد که البته جای خالی بسیاری از آثار او، به‌سرعت این فرضیه را در نطفه رد می‌کند؛ اما فرضیه دوم؛ محلوجی می‌خواسته با این کار و بر دیوار قراردادن تصاویری که در روزنامه‌هایی معتبر چاپ شده‌اند، مخاطب را معروب کند؛ شما با یک عکاس جدی روبه‌رو هستید؛ عکس‌های روزنامه‌ها، گواه این مدعا هستند.

از بحث نمایش گردانیِ که بگذریم، باید سراغ خود عکس‌ها و توکلیان برویم. توکلیان شاید قلب مهربان و سر ترسی داشته باشد؛ اما این دو، شرط لازم و کافی برای خلق اثر هنری نیست. بگذارد با مجموعه او از «خانه امن» دختران آفریقایی شروع کنیم. پرسش اصلی این است؛ اساساً این عکس‌ها چرا گرفته شده و چرا به ما نشان داده می‌شوند؟ به نظر نمی‌رسد ما از خود عکس‌ها به درد و رنج این زنان پی ببریم. نخست اینکه درد و رنج آن آدم‌ها در پس عکس‌های خوش آب‌ورنگ توکلیان پنهان می‌شود؛ آیا این چیزی جز همان مفهوم زیبایی‌پرستی‌دگی در نزد سونگات است؟ البته اگر عکس‌ها سیاه و سفید هم بودند و دختران و زنان هم در عکس‌ها خون گریه می‌کردند، باز هم فرقی نمی‌کرد؛ وقتی تجربه زیسته‌ای در کار نباشد. وقتی به‌مثابه توریست و به قصد شکار، با سوز و عکاسی مواجه شویم، نتیجه چیزی بهتر از این نخواهد شد. اصلاً مشخص نیست یک مأموریت سفارشی ۲۰ ژوزه چرا باید به عنوان اثر هنری قلمداد شود. به نظر، شبکه‌های اجتماعی در پاسخ به همین نیاز ایجاد شده‌اند؛ اینکه ما بتوانیم عکس‌های خود را از سفرهای چندروزه، با دیگران به اشتراک بگذاریم؛ هرچند دیوارهای گالری‌های ما نیز مدت‌هاست تفاوت چندانی با صفحات اینستاگرام ندارند. به نمایشا برگردیم. «خانه امن» در بهترین حالت، نه یک مطالعه تصویری بلکه یک گزارش تصویری است. بنا بر گفته خود عکاس، او حتی شب‌ها را نیز با این دختران نمی‌گذرانده است. به همین خاطر است که تصاویر او چیزی جز کلیشه در معنای واقعی آن نیستند.



اصلاً بیاید بحث هنری بودن یا هنری نبودن، تأثیرگذار بودن یا نبودن آثار را کنار بگذاریم و برای یک لحظه، عکس‌ها را به عنوان اسنادی خدشه‌ناپذیر از یک واقعیت تلخ بپذیریم. با این فرض، مشخص نیست که چرا عکس‌های دختران و زنانی رنج‌کشیده که به سفارش موسسه‌ای خاص و برای مقصدی مشخص گرفته شده‌اند، باید در یک گالری ایرانی به نمایش گذاشته شوند؟ اگر این دختران ایرانی بودند، می‌شد گفت توکلیان جسورانه ما را متوجه مضلی کرده که می‌توانیم برای آن کاری بکنیم؛ اما در ایران برای آن دختران چه کاری از دست ما ساخته است. از این گذشته، صرف نمایش این عکس‌ها در یک گالری نیز بر زوده‌شدن کارکرد اجتماعی آثار دامن می‌زند. شاید با خود بگویید که بخش وسیعی از تاریخ عکاسی پرداختن به همین معضلات اجتماعی بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکلیان رنج دیگران را به نمایش بدل کرده است.

سراغ مابقی عکس‌ها برویم. توکلیان عکس‌هایش از زنان مبارزه کوبانی را بخشی از یک پروژه طولانی مدت و ادامه‌دار می‌داند که تاکنون بوده است. درست است که آثار عکاسانه ماندند لوئیس هاین، ای ادامز و داکلاس دانکن نیز از درد و رنج مردم بوده‌اند، اما آن‌ها با عکس‌های خود نگاه مردم به یک معضل اجتماعی را عوض کرده و تغییری واقعی را رقم زده‌اند که این تأثیرگذاری نه از یک گزارش تصویر چندروزه بلکه برآمده از کوشش و ممارستی پیگیر بوده است، اما عکس‌های توکلیان، قرار است چه درکی در من مخاطب ایرانی و چه تغییری در زندگی آن دختران آفریقایی ایجاد کند؟ در تحلیل نهایی، این عکس‌ها از همان نگاه نشناختن‌جنسواک‌یک‌گونه ملو از شکفتن فراتر نرفته و نمی‌روند. این عکس‌ها جز اینکه من مخاطب ایرانی را به رنج مردمانی در کشوری دور خیره کند، کارکردی ندارد. در واقع، توکل